

باید های بیمار

۱- بیمار باید به قضا و قدر الهی خشنود باشد و در برابر تقدیر الهی، صبر پیشه کند و گمانش را نسبت به پروردگارش نیکو گرداند، که چنین وضعیتی به نفع او خواهد بود. رسول الله صلی الله علیه و سلم می فرماید:

«عَجَبًا لِأَمْرِ الْمُؤْمِنِ إِنَّ أَمْرَهُ كُلَّهُ خَيْرٌ وَلَيْسَ ذَاكَ لِأَحَدٍ إِلَّا لِلْمُؤْمِنِ إِنْ أَصَابَتْهُ سَرَاءٌ شَكَرَ فَكَانَ خَيْرًا لَهُ وَإِنْ أَصَابَتْهُ ضَرَاءٌ صَبَرَ فَكَانَ خَيْرًا لَهُ»^۱

ترجمه: شأن مومن شگفت انگیز است، زیرا تمام امورش به خیر او تمام می شود و این وضعیت را بجز مومن، کسی دیگر ندارد. مومن هنگام شادی، خدا را سپاس می گوید، و این به نفع اوست. و هنگام مصیبت، صبر پیشه می کند باز هم به خیر اوست. مسلم، بیهقی و احمد.
در حدیثی دیگر می فرماید:

«لَا يَمُوتَنَّ أَحَدُكُمْ إِلَّا وَهُوَ يُحْسِنُ الظَّنَّ بِاللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ»^۲

(هیچ کس از شما نمیرد، مگر اینکه گمانش نسبت به پروردگارش نیکو باشد.)
مسلم، بیهقی و احمد.

۲- حالت بیمار در هنگام مرض موت، باید میان بیم و امید باشد، در برابر گناهانی که انجام داده از خدا بترسد و در عین حال، به رحمت پروردگار، امیدوار باشد.

از حضرت انس رضی الله عنه روایت است: «أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ دَخَلَ عَلَيَّ شَابٌّ وَهُوَ فِي الْمَوْتِ فَقَالَ كَيْفَ تَجِدُكَ قَالَ وَاللَّهِ يَا رَسُولَ اللَّهِ أَنِّي أَرْجُو اللَّهَ وَإِنِّي أَخَافُ ذُنُوبِي فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ لَا يَجْتَمِعَانِ فِي قَلْبِ عَبْدٍ فِي مِثْلِ هَذَا الْمَوْطِنِ إِلَّا أَعْطَاهُ اللَّهُ مَا يَرْجُو وَأَمَنَهُ مِمَّا يَخَافُ»^۳ ترمذی، و آنرا حسن دانسته است. ابن ماجه و عبدالله بن احمد با سند صحیح.

ترجمه: رسول اکرم صلی الله علیه و سلم نزد جوانی که در بستر مرگ بسر می برد، رفت و پرسید: خود را در چه حالتی می بینی؟ گفت: ای پیامبر خدا صلی الله علیه و سلم بخدا سوگند، من به رحمت های خداوند امیدوارم و در عین حال، از گناهانم بیمناک هستم. رسول اکرم صلی الله علیه و سلم فرمود: بیم و امید در چنین حالتی در دل هیچ مسلمانی جمع نمی شوند، مگر اینکه خداوند آنچه را که او امیدوار است به وی می دهد و از آنچه که بیم دارد، نجاتش می دهد.

۳- با وجود بیماری سخت، برای بیمار، جایز نیست که آرزوی مرگ نماید. چنانکه ام الفضل روایت می کند:

«أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ دَخَلَ عَلَيَّ الْعَبَّاسُ وَهُوَ يَشْتَكِي فَمَنَنِي الْمَوْتَ فَقَالَ يَا عَبَّاسُ يَا عَمَّ رَسُولَ اللَّهِ لَا تَتَمَنَّ الْمَوْتَ إِنْ كُنْتَ مُحْسِنًا تَزِدَادُ إِحْسَانًا إِلَى إِحْسَانِكَ خَيْرٌ لَكَ وَإِنْ كُنْتَ مُسِيئًا فَإِنَّ تَوَخُّرَ تَسْتَعْتِبُ خَيْرٌ لَكَ فَلَا تَتَمَنَّ الْمَوْتَ»^۴

ترجمه: رسول اکرم صلی الله علیه و سلم وارد خانه شد. عباس؛ عموی پیامبر اکرم صلی الله علیه و سلم؛ که بیمار بود، آرزوی مرگ کرد. رسول الله صلی الله علیه و سلم فرمود: عمو جان! آرزوی مرگ نکن. زیرا، اگر نیکوکار باشی، با زنده ماندن، فرصت نیکی بیشتر می یابی و اگر بدکار باشی، با زنده ماندن، فرصت توبه از گناهان به تو می رسد و این برای توست بهتر است. پس آرزوی مرگ مکن.

1- مسلم، بیهقی و احمد.

2- مسلم، بیهقی و احمد.

3- ترمذی، و آنرا حسن دانسته است. ابن ماجه و عبدالله بن احمد با سند صحیح.

4- احمد و حاکم. و حاکم آن را تخریج کرده به شرط شیخین صحیح قرار داده است. ذهبی نیز آنرا تایید کرده. اما در واقع این حدیث فقط با شرایط بخاری مطابقت دارد.

و در حدیث انس آمده است که رسول الله صلی الله علیه و سلم فرمود:

«فَإِنْ كَانَ لَا بُدَّ فَاعِلًا فَلْيَقُلْ اللَّهُمَّ أَحِبِّي مَا كَانَتْ الْحَيَاةُ خَيْرًا لِي وَتَوَفَّنِي إِذَا كَانَتْ الْوَفَاةُ خَيْرًا لِي» (بخاری،

مسلم، بیهقی و دیگران)

ترجمه: اگر کسی ناچار بود. چنین بگوید: پروردگارا! تا زمانی که زنده بودن برایم بهتر است، مرا زنده نگه دار، و هر وقت، مردن به نفع (دین و دنیا) من است، مرا بمیران.

۴- اگر حق کسی به عهده بیمار است، آنرا برگرداند و اگر برایش ممکن نبود، وصیت نماید. چنانکه رسول الله صلی الله علیه و سلم

فرمود: قبل از مرگ و فرارسیدن روزی که در آن، پول و ثروت پذیرفته نمی شود، حق مردم را بپردازید. در غیر

اینصورت، اعمال نیک انسان به طلبکاران داده می شود. اگر کفایت نکند، اعمال بد طلبکاران، بر دوش او نهاده می

شود. روایت احمد و حاکم

همچنین رسول اکرم صلی الله علیه و سلم از صحابه پرسید:

«أَتَدْرُونَ مَا الْمُفْلِسُ قَالُوا الْمُفْلِسُ فِينَا مَنْ لَا دِرْهَمَ لَهُ وَلَا مَتَاعَ فَقَالَ إِنَّ الْمُفْلِسَ مِنْ أُمَّتِي يَأْتِي يَوْمَ الْقِيَامَةِ

بِصَلَاةٍ وَصِيَامٍ وَزَكَاةٍ وَيَأْتِي قَدْ شَتَمَ هَذَا وَقَذَفَ هَذَا وَأَكَلَ مَالَ هَذَا وَسَفَكَ دَمَ هَذَا وَضَرَبَ هَذَا فَيُعْطَى هَذَا مِنْ

حَسَنَاتِهِ وَهَذَا مِنْ حَسَنَاتِهِ فَإِنْ فَنِيَتْ حَسَنَاتُهُ قَبْلَ أَنْ يُقْضَى مَا عَلَيْهِ أَخَذَ مِنْ خَطَايَاهُمْ فَطُرِحَتْ عَلَيْهِ ثُمَّ طُرِحَ فِي

النَّارِ» روایت مسلم

ترجمه: آیا می دانید مفلس کیست؟ عرض کردند: نزد ما مفلس کسی است که پول و ثروتی نداشته باشد. رسول الله صلی الله علیه و سلم فرمود: همانا مفلس امت من کسی است که روز قیامت، در حالی می آید که نماز، روزه، حج و زکات به همراه دارد ولی به یکی ناسزا گفته، دیگری را تهمت زده، مال کسی را خورده و خون کسی را ریخته و دیگری را کتک زده است. نیکیهایش به این و آن، داده می شود. اگر نیکیهایش قبل از بدهکاریها به پایان رسد، گناهان افراد طلبکار را به او می دهند و وی را به دوزخ می اندازند.

همچنین فرموده است:

«وَمَنْ مَاتَ وَعَلَيْهِ دَيْنٌ فَلَيْسَ بِالدَّيْنَارِ وَلَا بِالدِّرْهَمِ وَلَكِنَّهَا الْحَسَنَاتُ وَالسَّيِّئَاتُ» روایت حاکم، ابن ماجه و

احمد

(هرکس در حالی بمیرد که مدیون است، باید بداند که آنجا، درهم و دینار پذیرفته

نمی شود، بلکه آنجا معامله نیکي ها و بدی ها است.)

و همچنین می فرماید: دو نوع وام وجود دارد: هر کس در حالی بمیرد که قصد ادای دین را هنگام قرض گرفتن

داشته است، من (پیامبر) ولی او هستم و دینش را از بیت المال می پردازم ولی هر کس بمیرد در حالی که هنگام قرض

گرفتن، قصد پرداخت آن را نکرده است، اعمال نیکش به طلبکاران داده می شود. چون در آن روز، دینار و درهم (پول)

به کار نمی آید. روایت طبرانی (حدیث صحیح).

جابر بن عبدالله می گوید: شب قبل از غزوه احد، پدرم مرا نزد خود خواست و گفت: من خودم را اولین کسی می

بینم که از میان اصحاب رسول الله صلی الله علیه و سلم کشته می شود و عزیزترین کسی که بعد از خود، باقی می

گذارم، تو هستی. من مدیون هستم. بدهی های مرا ادا کن. و با خواهرانت به خوبی رفتار کن. جابر می گوید: صبح روز

بعد، مبارزه آغاز شد و پدرم نخستین کسی بود که به قتل رسید. صحیح بخاری

۵- بیمار در وصیت خود نسبت به پرداخت حقوق دیگران تاخیر ننماید.

رسول الله صلی الله علیه و سلم می فرماید:

«مَا حَقُّ امْرِئٍ مُسْلِمٍ يَبِيْتُ لِيَلْتَيْنِ وَلَهُ شَيْءٌ يُوصِي فِيهِ إِلَّا وَوَصِيَّتُهُ مَكْتُوبَةٌ عِنْدَهُ»

ترجمه: هر گس که چیزی قابل وصیت دارد، باید وصیتش را بنویسد و همواره همراه خود داشته باشد و حق ندارد دو شب پیاپی، سپری کند در حالی که وصیتش آماده نباشد.

عبدالله ابن عمر رضی الله عنه می گوید:

«مَا مَرَّتْ عَلَيَّ لَيْلَةٌ مُنْذُ سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ ذَلِكَ إِلَّا وَعِنْدِي وَصِيَّتِي»

ترجمه: (از روزی که این حدیث را از رسول الله صلی الله علیه و سلم شنیده ام هیچ شبی را بدون وصیت، به صبح نرسانیده ام.) بخاری، مسلم و اصحاب سنن.

۶- بیمار باید در حق خویشاوندانی که از او ارث نمی برند وصیت کند. چنانکه خداوند می فرماید:

(كُتِبَ عَلَيْكُمْ إِذَا حَضَرَ أَحَدَكُمُ الْمَوْتُ إِنْ تَرَكَ خَيْرًا الْوَصِيَّةَ لِلْوَالِدَيْنِ وَالْأَقْرَبِينَ بِالْمَعْرُوفِ حَقًّا عَلَى الْمُتَّقِينَ)

ترجمه: وقتی زمان موت یکی از شما فرا می رسد، در حق والدین و سایر خویشاوندان وصیت بکنند، اگر چیزی باقی

گذاشته است این حقی است برگردن پرهیزگاران. بقره: 180.

۷- همچنین بیش از یک سوم ترکه (مالی که از میت باقی می ماند) را وصیت نکنند، بلکه کمتر از یک سوم باشد.

همانطور که سعد بن ابی وقاص می فرماید: در سفر حجة الوداع با رسول الله صلی الله علیه و سلم بودم، چنان بیمار شدم که احتمال مرگم بسیار زیاد بود. رسول الله صلی الله علیه و سلم برای عیادتم آمد.

عرض کردم: ای پیامبر خدا! مال زیادی دارم. و وارثی جز یک دختر ندارم. آیا صحیح است که دو سوم مال خود را برای مستمندان وصیت کنم؟ رسول الله صلی الله علیه و سلم فرمود: خیر. عرض کردم نصف آن؟ فرمود: خیر. عرض کردم یک سوم؟ فرمود: یک سوم خوب است ولی باز هم زیاد است. بعد فرمود: ای سعد! اگر تو وارثان و فرزندان را بعد از مرگ، بی نیاز بگذاری بهتر است از اینکه آنان را فقیر بگذاری تا نزد دیگران، دست تکدی دراز کنند و همچنین فرمود: ای سعد! هر لقمه ای که در راه خدا انفاق می کنی، در برابر آن، اجر خواهی برد. حتی لقمه ای که در دهان همسرت می گذاری. سعد می گوید: بعد از این بود که، وصیت به یک سوم مال، مباح و جایز دانسته می شد. (احمد و شیخین)

ابن عباس رضی الله عنه می فرماید:

«وَدِدْتُ أَنَّ النَّاسَ غَضُّوا مِنْ الثُّلُثِ إِلَى الرَّبْعِ فِي الْوَصِيَّةِ لِأَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ الثُّلُثُ كَثِيرٌ».

(دوست دارم که مردم در وصیت، ثلث را به ربع تقلیل دهند، چون رسول الله صلی الله علیه و سلم فرمود، يك سوم زیاد است.) احمد، شیخان و بیهقی.

۸- مریض در وقت وصیت، دو نفر مرد عادل و مسلمان را شاهد قرار بدهد، اگر دو مسلمان پیدا نشد، دو نفر غیر مسلمان را شاهد

بگیرد، همانطور که قرآن در آیه ۱۰۶ الی ۱۰۸ سوره مائده در مورد شهادت توصیه کرده است.

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا شَهِادَةُ بَيْنِكُمْ إِذَا حَضَرَ أَحَدَكُمُ الْمَوْتُ حِينَ الْوَصِيَّةِ اثْنَانِ ذَوَا عَدْلٍ مِنْكُمْ أَوْ آخَرَانِ مِنْ غَيْرِكُمْ إِنْ أَنْتُمْ صَرَّفْتُمْ فِي الْأَرْضِ فَأَصَابَتْكُمْ مُصِيبَةُ الْمَوْتِ

تَحْسِبُونَهُمَا مِنْ بَعْدِ الصَّلَاةِ فَيُقْسِمَانِ بِاللَّهِ إِنَّ آرْتَابِنَا لَمَنْ شَرِي بِهِ ثَمْنَا وَلَوْ كَانَ ذَا قُرْبَى ۚ وَلَا نَكْتُمُ شَهَادَةَ اللَّهِ إِنَّا إِذًا لَمِنَ الْآثِمِينَ (۱۰۶) فَإِنْ غَيْرَ عَلِيٍّ ۖ أَنَّهُمَا اسْتَحَقَّا إِثْمًا فَأَخْرَأَنَّ يَوْمَئِذٍ مَقَامَهُمَا مِنَ الَّذِينَ اسْتَحَقَّ عَلَيْهِمُ الْأُولِيَّانِ فَيُقْسِمَانِ بِاللَّهِ لَشَهَادَتُنَا أَحَقُّ مِنْ شَهَادَتِهِمَا وَمَا اعْتَدَيْنَا إِنَّا إِذًا لَمِنَ الظَّالِمِينَ (۱۰۷) ذَلِكُمْ آدَتِي ۖ أَنْ يَأْتُوا بِالشَّهَادَةِ عَلِيٍّ ۖ وَجَهِّهَا أَوْ يَخَافُوا أَنْ تُرَدَّ أَيْمَانُ بَعْدَ أَيْمَانِهِمْ ۚ وَاتَّقُوا اللَّهَ وَاسْمِعُوا ۗ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْفَاسِقِينَ (۱۰۸)

۹- وصیت برای والدین و سایر خویشاوندانی که از میت ارث می برند، بوسیله آیه میراث، منسوخ شده است و رسول الله صلی الله علیه و سلم در خطبه حجة الوداع بطور روشن و شفاف آن را توضیح داده و فرموده است:

«إِنَّ اللَّهَ قَدْ أَعْطَى كُلَّ ذِي حَقٍّ حَقَّهُ فَلَا وَصِيَّةَ لِرِثٍ»

(خداوند حق هر صاحب حق را داده است. اکنون وصیت برای کسی که از وصیت کننده، ارث می برد، جایز نیست).

توضیح: باید دانست که ناسخ در واقع، قرآن است و حدیث، مبین این مطلب است. همانطور که از خطبه حجة الوداع بر می آید. بر خلاف آنچه که بسیاری می پندارند که ناسخ این حکم، حدیث است. از اینرو برخی از معاصرین روی آن خرده گیری نموده و گفته اند: حدیث، خبر واحد است و نمی تواند ناسخ قرآن باشد. هر چند که این تصور، باطل است. زیرا صحیح این است که خبر واحد می تواند ناسخ قرآن باشد. ولی اینجا ناسخ در واقع، آیه میراث است. فرضاً اگر بپذیریم که ناسخ، حدیث است. حدیث واحد باتفاق علما صلاحیت ناسخ بودن را دارد. علاوه بر آن، حدیث متواتر است و متواتر بودن آن بر کسی که از اسناد و طرق حدیث آگاهی دارد، پنهان نیست. بنده اسناد و طرق آن را در کتاب «ارواء الغلیل» جمع و استخراج نموده ام. طرق آن بیش از ده طریق هستند و هشت نفر صحابی آن را روایت کرده است.

۱۰- ضرر رسانیدن به دیگران، در وصیت حرام است. مانند اینکه شخصی درباره محروم شدن بعضی از وارثان از ارث، وصیت کند. یا بعضی را نسبت به بعضی دیگر ترجیح دهد. خداوند می فرماید:

ترجمه: در وصیت، به کسی ضرر نرسانید، این توصیه خداوند است و خدا دانا و شکیبا است. نساء: ۱۲

و رسول الله صلی الله علیه و سلم می فرماید:

«لا ضرر ولا ضرار، من ضار ضاره الله و من شاق، شاقه الله.»

ترجمه: ضرر رسانیدن به خود و دیگران درست نیست، هر کس در صدد ضرر رساندن باشد، خداوند باو ضرر می رساند و هر کس در صدد مشقت (دیگران) باشد، خداوند او را در مشقت می اندازد. حدیث، حسن

۱۱- وصیت ظالمانه، باطل و مردود است. رسول الله صلی الله علیه و سلم می فرماید:

«مَنْ أَخَذَتْ فِي أَمْرِنَا هَذَا مَا لَيْسَ فِيهِ فَهُوَ رَدٌّ.» متفق علیه

(هر کس در دین ما بدعت و پدیده ای بوجود آورد، مردود است).

و در حدیث عمران بن حصین آمده است: شخصی هنگام بیماری مرگ، شش غلام را که تمام ثروت او بودند آزاد کرد. وارثانش نزد رسول الله صلی الله علیه و سلم آمدند و شکایت کردند. رسول الله صلی الله علیه و سلم فرمود:

(اگر می دانستم که چنین ستمی را مرتکب شده است، بر او نماز جنازه

نمی خواندم).

راوی می گوید: آنگاه رسول الله صلی الله علیه و سلم میان آن شش غلام، قرعه انداخت و دو نفر از آنان را که معادل یک سوم مال میت بود، آزاد کرد و چهار نفر دیگر را به حالت اول برگردانید. احمد و مسلم

۱۲- با توجه به اینکه اغلب مردم در این زمان مبتلا به بدعت های متعدد در امور دین و بویژه در مسائل مربوط به جنازه و میت هستند. بر انسان مسلمان واجب است وصیت کند تا مطابق سنت رسول الله صلی الله علیه و سلم تکفین و تجهیز شود. خداوند می فرماید:

ای مومنان! خود و فرزندان تان را از آتشی که مواد سوختی آن، انسانها و سنگ ها هستند، برهانید. تحریم: 6
به موجب آیه مذکور، اصحاب رسول الله صلی الله علیه و سلم توصیه می کردند که آنها را مطابق سنت رسول الله صلی الله علیه و سلم تدفین کنند، در اینجا چند مورد از اینگونه توصیه ها را یادآور می شوم.

الف- عامر بن سعد بن ابی وقاص می گوید: پدرم هنگام بیماری مرگ، چنین وصیت کرد: (مرا در لحد بگذارید و با خشت خام، دهانه لحد را ببندید، همانطور که با جسد رسول الله صلی الله علیه و سلم رفتار شد). مسلم و بیهقی

ب- ابو برده رضی الله عنه می گوید: ابوموسی اشعری در بیماری وفات چنین وصیت کرد: هرگاه جنازه ام را حمل کردید، به سرعت مرا به قبرستان ببرید. با جنازه من، بخور و آتش همراه نکنید. بر لحد من چیزی (مانند سنگ، آجر، شیشه) نگذارید که میان من و خاک مانع باشد. من در حضور شما خدا را گواه می گیرم که من از هر نوحه خون و کسبیکه به سر و صورت بزنم و موهای خود را بکنم، بیزارم. یعنی بعد از مردن من هیچ کس از افراد فامیلم حق ندارد دست به چنین اعمالی بزند. گفتند: در این مورد از پیامبر، چیزی شنیده ای؟ گفت: بلی. احمد، بیهقی و ابن ماجه به سند حسن

ج- حذیفه می گوید: هرگاه مرگ من فرا رسید، کسی را از مردن من با خبر نسازید. زیرا می ترسم خبر مرگ من باعث نعی (اینکه موت کسی به قصد نام و نمود، اعلام شود) شود که رسول الله صلی الله علیه و سلم آن را منع کرده است. ترمذی آن را حسن گفته است.

با توجه به آنچه بیان گردید. امام نووی در باب اذکار می فرماید: مستحب است که شخص، وارثان خود را درباره اجتناب از بدعت های رایج در تدفین و تکفین توصیه کند و پرهیز از بدعات را مورد تاکید قرار دهد.